بازتاب

انتقاد گسترده از روایت صهیونیستی سریال حضرت موسی(ع) در تلفیکس

به گزارش ایکنا به نقل از المصری الیوم، سریال «عهد: داستان موسی» که هم‌اکنون در سکوی تلفیکس آمریکایی درحال نمایش است، جنجال‌های گسترده‌ای را در محافل هنری و سیاسی مصر به راه انداخته است، به‌ویژه اینکه از روایت صهیونیست‌ها در مسئله فلسطین به‌ویژه در پرتو حوادث غزه جانب‌داری می‌کند.

این سریال در ۵۵ کشور جهان از جمله کشورهای عربی پخش می‌شود و به شیوه دوبله فارسی، مستند ساخته شده است. در این شیوه که مرکب از دو بخش صوتی و تصویری است، در بخش نخست، کارشناسان و پژوهشگرانی روایت تاریخی موضوع داستان را بیان کرده و در بخش دوم، داستان به تصویر کشیده شده است.

با توجه به اینکه نام حضرت موسی(ع) بیش از هر پیامبر دیگری در قرآن کریم ذکر شده، ازجمله بارتر ین خطاهای این سریال از منظر قرآنی نخست این است زنی که حضرت موسی را از رودخانه نجات داد، دختر فرعون، حاکم وقت مصر است. حال آنکه این امر بر خلاف روایتی است که در قرآن آمده و این همسر فرعون بود که حضرت موسی(ع) را از آب گرفت و او را مواظبت کرد.

خطای دوم، تکرار ادعاهای صهیونیست‌ها مبنی بر این است که سرزمین فلسطین، ارض موعودی است که به یهودیان وعده داده شده است.

خطای سوم، این سریال بر تعداد زیاد یهودیان مصر و نقش آن‌ها در ساختن تمدن مصر تأکید دارد، در حالی که منابع تاریخی این ادعاها را تأیید نمی‌کنند.

خطای چهارم یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات این سریال به شمار می‌رود که در داستان حضرت موسی(ع) به راهسی دوم، پادشاه مصر به عنوان فرعون اشاره می‌کند، اما این امر در غیاب هرگونه مدرک تاریخی برای این روایت صورت گرفته است.

به‌خصوص اینکه جسد رامسس دوم در موزه ملی مصر نگهداری می‌شود و بررسی این جسد به‌هیچ وجه نشان نمی‌دهد لوبر اثر غرق شدن مرده است.

داستان حضرت موسی(ع) یکی از بحث‌برانگیزترین روایت‌های تاریخی است که در فیلم‌های مختلف به تصویر کشیده شده و فیلم‌های پیشین نیز با انتقادهای گسترده همراه بوده‌اند.

موسی(ع) از پیامبران اولوالعزم و صاحب شریعت و رهبر بنی‌اسرائیل است. داستان ها و محجزات حضرت موسی(ع) در قرآن بیش از هر پیامبر دیگری ذکر شده است. یکی از القاب اصلی حضرت موسی، کلیم‌الله است که در این باره گفته شد، خداوند با وی مستقیم و بدون واسطه سخن می‌گفت. بارهای از داستان‌های قرآن درباره حضرت موسی عبارت‌اند از همراهی او با یکی از اولیای الهی که بنابر روایات شیعه، خضر خوانده شده است و داستان انداخته شدن حضرت موسی به رود. براساس داستان اخیر، مادر موسی از ترس کشته شدن فرزندش توسط سربازان فرعون، او را در صندوقچه‌ای گذاشت و به رود انداخت. حضرت موسی به قصر فرعون رسید و در آنجا رشد یافت. ماجرای درگیری موسی با فرد قبطی از دیگر داستان‌های قرآنی است که براساس آن، فرد قبطی کشته و موسی(ع) وادار شد از مصر فرار کند و به مدین برود. حضرت موسی(ع) در مدین با دختر شعیب پیامبر ازدواج کرد و ۱۰ سال به چوپانی پرداخت. او، در ۴۰ سالگی در سرزمین طور، وحی الهی را دریافت کرد و به پیامبری رسید و آموزه‌ها و دستوراتی ازجمله توحید، ضرورت عدالت‌خواهی، ادای نماز و مسئله عدالت را دریافت کرد.

وی همراه با برادرش هارون نزد فرعون رفت تا راهایی بنی‌اسرائیل را از او بخواهد؛ اما فرعون با آنکه معجزاتی از حضرت موسی مشاهده کرد، حقانیت او را نپذیرفت و به اذیت و آزار بنی‌اسرائیل پرداخت. حضرت موسی(ع) به دستور خداوند، همراه بنی‌اسرائیل و با کمک معجزه‌شگافته‌شدن دریا از مصر خارج شدند. معجزات دیگری نیز در قرآن و روایات معصومان برای حضرت موسی نقل شده است؛ ازجمله تبدیل عصا به مار و ید بیضا.

عدالت پیشگی و نیکوکاری، سبب دوام نعمت‌های خداست.

استعمال العدل و الاحسان، مؤذن بدوام النعمة

بخیل کسی است که در پرداخت آنچه خدا بر او واجب فرموده، بخل ورزد.

چهارشنبه‌های امام‌رضایی در محضر احادیث رضوی؛ حدیث سی و یکم

به‌بهانه سالروز وفات حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)

سلام مرا به دوستانم برسان

مریم احمدی شیروان | پانزدهم شوال، سالروز وفات حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) یادآور یکی از اولیاء‌الله و بزرگمردی از خاندان نبوت و رسالت است که مورد عنایات چند امام معصوم(ع) قرار داشت و عقاید او پس از عرضه بر امام خویش، مورد تأیید قرار گرفت و به مدال پرافتخار «أنت ولیّنا حقّاً» نائل شد. ۴۰ چهارشنبه را میهمان کلمات گهربار و حیات‌بخش حضرت علی بن موسی الرضا(ع) هستیم و همراه خوانندگان، شرح یک حدیث رضوی را در گفت‌وگو با اساتید حوزه و دانشگاه بررسی خواهیم کرد. شرح حدیث این هفته را در محضر استاد و پژوهشگر حوزه و عضو مجمع نمایندگان طلاب، حجت‌الاسلام والمسلمین حامد میرزاخان هستیم تا از نام معرفت کلمات رضوی، جان تشنه خویش را سیراب کنیم.

■ با عرض تسلیت سالروز وفات حضرت عبدالعظیم(ع)، لطفاً از حدیث مشهوری که آن رجل الهی از امام رضا(ع) نقل کرده، برای خوانندگان عزیز بفرمایید.

با گرامیداشت شخصیت عظیم‌القدر حضرت عبدالعظیم(ع) که از اصحاب چند تن از ائمه معصوم ما بودند؛ عرض کنم حدیثی است معروف که مرحوم محدث عظیم و جلیل، شیخ مفید در کتاب گرانسنگ الاختصاص از قول حضرت عبدالعظیم و ایشان از قول حضرت علی بن موسی الرضا(ع) نقل کرده است.

■ دوسفارش بعدی امام رضا(ع) که توسط حضرت عبدالعظیم(ع) به شیعیان رسیده چیست؟

دو دستور بعدی امام رضا(ع) تقریباً به هم ارتباط دارند: سکوت و ترک مجادله. سکوت، موجه عقل بارور و درجه‌ای رسیده و رأی مؤمن می‌گشاید و وی را از آفات و بلایای فراوانی نجات می‌دهد. همان طور که ترک جدال با دوستان و خویشان و هم‌کیشان، در امور جزئی و بیهوده، انسان را از وسوسه‌های شیطانی و عاقبت سوء نجات خواهد داد.

پیامبر گرامی اسلام(ص)، جدال و پافشاری در آن را موجب گمراهی امت‌ها و امیرالمؤمنین علی(ع)، آن را تباه‌کننده یقین دانسته‌اند.

■ دیدار با دوستان که این همه در روایات سفارش شده و امام رضا(ع) در این روایت تأکید فرموده‌اند؛ چه فوایدی دارد؟

دیدار با دوستان، استواری و استحکام رشته محبت را در پی دارد و پیوندد ها و پاکیزگی جان‌ها را به ارمغان می‌آورد، از ملال و افسردگی جلوگیری و اسباب نشاط و شادابی را فراهم می‌کند. زیارت دوست، زیارت خداوند متعال است. دیدار برادران دینی، به‌ویژه اگر با یاد اهل بیت(ع) همراه باشد، موجب توجه افراد جامعه به یکدیگر و رأفت و نرمی آنان با هم می‌شود. امام(ع) در این حدیث شریف، این زیارت را موجب قرب و نزدیکی اصحاب به ایشان می‌داند.

■ برهیز از اختلاف، توصیه بعدی امام به شیعیان است. از آثار سوء اختلاف برای خوانندگان رواق بگویید.

توصیه آن امام همام به پرهیز از اختلاف و دوری از دشمنی با یکدیگر، در راستای دستور الهی و توصیه‌های همه پیامبران و به‌ویژه خاتم انبیای الهی است. قرآن کریم، اختلاف و دودستگی را عقوبتی سخت برای امت‌ها و پیامبر اکرم(ص) نتیجه آن را غلبه باطل گرایان بر حق‌پرستان می‌داند. نابودی و هلاکت بسیاری از ملت‌ها، زاییده اختلاف بوده است؛ از این رو، امام رضا(ع) در این حدیث، امر به ترک اختلاف و جدال و انجام دیدار و خاموشی گزیدن در کنار آن می‌کند و که ترک جدال با دوستان و خویشان و هم‌کیشان، در امور جزئی از دوستان حقرتش را برنجاند، به سخت‌ترین عذاب دنیوی گرفتار می‌شود و در آخرت، از زیانکاران قرار می‌گیرد.

آزردن مؤمن، آزردن خداوند است و آزردن دوستان ولی، آزردن ولی خداست. آن امام مهربان و بزرگوار ما در این سفارش به شیعیان، پیامبر رحمت و مهربانی(ص) همین پیام را از خداوند تبارک و تعالی نقل می‌کند که «من أهان لی ولیّاً فقد أرصد لمحاربتی». (مستدرک الوسائل، ج۹، ص۱۰۲)

امام رضا(ع) نیز در این حدیث با پیروی از اجداد و آبای طاهرین خود، به جهت به آنان حمله می‌کند. براساس آیات قرآن کریم، شیطان دشمن آشکار انسان است که باید راه نفوذ او را بست. حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) انسانی به‌ظاهر مقدس و خود را به امام معصوم(ع) عرضه می‌کردند.

نکته‌ها

حجت الاسلام ناصر رفیعی

❮ ولایتمداری و ولایت‌پذیری حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) بهترین الگوی جوانان امروز است

حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) همچون خاندان پاک و طاهرش اهل مبارزه سیاسی با حاکمان و خائنان جور بودند که در خانواده‌ای اهل کرامت و رسیدگی به فقرا و نیازمندان رشد کردند. ایشان در میان امامزادگان جایگاه رفیعی دارند، حضرت محضر چهار امام معصوم(ع) را درک کردند، بر همین اساس شخصیتی عارف، عالم، فقیه و محدث داشتند. ایشان در فقاهت و زندگی می‌کرد عقیده خود را پنهان می‌کرد، اما باز هم از سوی حاکمان عباسی زیر فشار بود و همین فشارها و دشواری‌ها سبب هجرت ایشان به ایران درباره هدف هجرت عبدالعظیم حسنی(ع) به ری نیز دچار شدند.

بیشتر بدانیم

❮ مهاجر رضا(ع)

آمده است که در دوران زندگی عبدالعظیم(ع) شرایط برای شیعیان بسیار سخت بود، ایشان مانند پدرانشان سال‌ها تحت تعقیب حکومت عباسی بود و هر چند زمانی که در مدینه، بغداد و سامرا

نیز نقل‌های مختلفی وجود دارد؛ یکی از نقل‌ها می‌گوید به دستور امام هادی(ع) و برای فرار از آزار حکومت بنی‌عباس از سامرا به ری مهاجرت کرد. اما روایت‌هایی میتنی بر مهاجرت ایشان برای زیارت حرم امام رضا(ع) هم وجود دارد.

در روایت‌ها آمده جناب عبدالعظیم حسنی(ع) زمانی که به شهر ری رسید، در سردابی ساکن شد و کم‌کم شیعیان متوجه حضور او در این منطقه شدند و به دیدارش آمدند. او تا زمان وفات در این منطقه زندگی کرد و در همان جا نیز دفن شد.

حضرت عبدالعظیم(ع) می‌فرمایند: «به دوستان من بفهمان خداوند از نیکوکار و بدکار آنان می‌گذرد، جز آن دسته که برای شریک قرار دهند و یا دوستی از دوستان مرا از آزار و اذیت کنند».

■ جان سخن و پیام امام رضا(ع) به ما شیعیان که توسط حضرت عبدالعظیم(ع) آورده شده، چیست؟

در روایات داریم «کونوا لنا زیناً ولا تکونوا علینا شیناً» (بحارالأنوار، ج۶۵، ص۱۵) اگر شیعه بخواهد مایه زینت و افتخار برای اهل بیت(ع) باشد وبه دنیا اعلام کند ما پیرو بهترین و کامل‌ترین انسان‌ها هستیم، باید به برنامه اخلاقی که توسط آن بزرگواران آمده، عمل کند. برنامه‌ای که توسط آن بزرگواران آمده، سعادت آفرین است و موجب برکات دنیوی است و هم سعادت اخروی را به ارمغان می‌آورد. برنامه‌ای که خلاصه و چکیده همه ادیان آسمانی می‌پذیرد راست‌گویی، امانت‌داری، اتحاد و نداشتن مشاجره و تفرقه.

آزردن مؤمن، آزردن خداوند است و آزردن دوستان ولی، آزردن ولی خداست. آن امام مهربان و بزرگوار ما در این سفارش به شیعیان، پیامبر رحمت و مهربانی(ص) همین پیام را از خداوند تبارک و تعالی نقل می‌کند که «من أهان لی ولیّاً فقد أرصد لمحاربتی». (مستدرک الوسائل، ج۹، ص۱۰۲)

امام رضا(ع) نیز در این حدیث با پیروی از اجداد و آبای طاهرین خود، به جهت به آنان حمله می‌کند. براساس آیات قرآن کریم، شیطان دشمن آشکار انسان است که باید راه نفوذ او را بست. حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) انسانی به‌ظاهر مقدس و خود را به امام معصوم(ع) عرضه می‌کردند.

از زندگی و شخصیت بزرگانی همچون حضرت حمزه(ع) و حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) چه درسی بگیریم؟

راه‌هایی برای رسیدن به مقام «تالی تلو معصوم»

نسرین نقدی | پانزدهم شوال سالروز جنگ احد و شهادت حضرت حمزه، عموی باوفا و الامقام پیامبر اکرم(ص) و رحلت سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) است. شخصیت‌های والامقام و تأثیرگذار جهان اسلام که نمونه‌های بسیاری در تاریخ اسلام وجود دارند. افرادی که هر چند همانند معصومین(ع) مقام عصمت نداشتند اما به مرتبه «تالی تلو معصوم» رسیده بودند. یعنی از نظر رتبه و درجه، پشت سر معصوم(ع) و در ردیف بعد از آن‌ها قرار گرفته بودند. برای بررسی بیشتر این مفهوم و یافتن میانبری برای رسیدن به مرتبه‌ای نزدیک به عصمت؛ با آیت‌الله سید احمد حسینی خراسانی، عضو فقهای شورای نگهبان هم‌کلام شدیم.

■ عدالت و عصمت، ویژگی انسان‌های بانقوا

آیت‌الله حسینی خراسانی در لزندای سخن بایان اینکه عصمت؛ موهبت و فضیلتی اعطایی بوده و اکتسابی و تحصیلی نیست، توضیح می‌دهد: «اوصاف و عنایتی که انسان‌ها به آن عناوین موصوف می‌شوند، بعضی اکتسابی و بعضی اعطایی و موهبتی هستند. بعضی ذاتی و خصلتی و بعضی دیگر هم عرضی و مناسبتی هستند. در میان عناوین مثبت و برجسته‌ای که برخی از انسان‌ها از آن برخوردارند، صفت عصمت، عدالت، وثاقت، امانت و... وجود دارد. افزون بر آن، در کلمات و بزرگان صفت «تالی تلو عصمت» نیز برای بسیاری از یاران و اصحاب به کار رفته است. عصمت، موهبتی است که خداوند باید عطا کند و اینکه خداوند آن را به چه افرادی اعطا می‌کند بحث مفصل کلامی است.

ایشان تصریح می‌کنند: در فرهنگ ارزشیابی اسلام سه واژه برای ارزیابی شخصیت مثبت انسان‌ها داریم. ابتدا عدالت که داشتن حالت روحی پیشتازی در انجام واجبات و ترک گناهان است. در این رتبه، صرف عمل به واجب و ترک حرام کفایت می‌کند و اگر از گناه کبیره اجتناب شود و بر گناهان صغیره اصراری نشود، به عدالت منتهی می‌شود. دیگری عظمت که فراتر از عدالت است و صاحب آن دارای روحی درخشنده و نورانی است و در زمره بندگان صالح خدا محسوب می‌شود و عصمت که صاحب آن از کوچک‌ترین اشتباه و خیال و توهم گناه و خطا به دور است. فردی که عدالت دارد، گاه‌نمی‌کند، یعنی می‌داند عملی خلاف است و براساس عدالت انجام نمی‌دهد. دروغ نمی‌گوید، غیبت و ظلم نمی‌کند اما ممکن است به‌خاطر فراموشی و اشتباه، خطایی از او سر بزند. تقصیر و خلاف عمدی انجام نمی‌دهد که واجبی را ترک یا حرامی را مرتکب شود اما ممکن است اشتباه کند و واجبی از او ترک شده یا حرامی را از روی نسیان انجام دهد، دو آن صورت هم ضرری به عدالت نمی‌زند. عادل کسی است که با علم، آگاهی، اراده، اختیار و آزادی؛ حرام انجام نداده و واجب را ترک نمی‌کند. این معنای عدالت است. میان عدالت و عصمت در مورد شخصیت‌هایی که معصوم نیستند ولی مقام والایی دارند، عظمت و مقام صلاح وجود دارد. چنین آدمی انسانی عظیم و بزرگ، مخلص و زاهد و شخصی با ورع و تقواست.

■ رسیدن به مقام «تالی البیت(ع)»

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تصریح می‌کند: «تالی تلو معصوم» مفهومی کامل‌تر دارد. انسان‌هایی که تالی تلو معصوم هستند مقامی از عدالت بالاتر دارند اما به عصمت نمی‌رسند و زیر سایه عصمت قرار دارند. به طور نمونه در مورد جناب سلمان فارسی، رسول خدا(ص) می‌فرماید: «سلمان منّا اهل البیت». سلمان به مقام منّایی رسیده به نظر می‌رسد دقتی فردی به مقام و منزلت منّایی رسید و جزو اهل بیت رسول خدا(ص) شد، باید معصوم باشد، در صورتی که این طور نیست و مقام منّایی، عصمت به همراه ندارد. این مقام از عدالت بسیار بالاتر است اما به عصمت نمی‌رسد. جناب سلمان از عادل‌های عالم بالاتر ولی از معصوم‌های عالم پایین‌تر است.

آیت‌الله حسینی خراسانی به نمونه افرادی که جایگاه والایی دارند اشاره کرده و می‌گوید: عصمت مقامی دست نیافتنی است. جناب ابوطالب(ع) پدر امیرالمؤمنین(ع)، جناب حمزه سیدالشهدا(ع) عموی پیامبر(ص)، جناب جعفر طیار برادر امیرالمؤمنین(ع) حضرت ابوالفضل عباس(ع)، حضرت خدیجه کبری(س)، فاطمه بنت اسد با آن همه جلالت و حتی مادران بزرگوار ائمه(ع) با اعتقادی که به معصومین داریم، معصوم نیستند اما مقام و منزلت بالایی دارند و حتی از منّا اهل البیتی که پیامبر(ص) خطاب به سلمان فرمود نیز میان عدالت و عصمت در مورد شخصیت‌هایی که معصوم نیستند فاصله زیاد است. مقام آن‌ها به عصمت نمی‌رسد اما از عدالت خیلی بالاتر است.

■ این مقام به‌روی همه باز است

ایشان تأکید می‌کند: «منا اهل البیت» شدن که شیعه و سنی از پیامبر اسلام(ص) نقل کرده‌اند، روی همه باز است. عبارت دیگری نیز از پیامبر اسلام(ص) درباره سلمان نقل شده که «سلمان ابن الاسلام» یعنی سلمان فرزند اسلام است. در روایتی از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) در مورد برخی از شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام و شاگردانشان مانند زرارة بن اعین یا محمد بن مسلم نُقلی داریم که فرمودند: هریک از شما که پرهیزکارتر و درستکارتر باشد، او از ما اهل بیت است. راوی عرض کرد: یا بن رسول الله، از شما است؟ فرمود: آری، از ماست. آیا نشنیده‌ای این سخن خدای عزوجل را که «هر کس از شما آن‌ها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود» و این سخن ابراهیم را؟ «پس هر که از من پیروی کند او از من است»؟ این عنوان وقف یک نفر یا یک گروه نیست، بلکه راهی است که به روی همه باز است و همه می‌توانند در این راه گام برگذارند. انسان‌هایی که تالی تلو معصوم هستند مانند معصومان می‌توانند برای جامعه الگو و سرمشق باشند. به طور نمونه جناب ابوطالب عموی پیامبر(ص) و پدر بزرگوار آقا امیرالمؤمنین(ع)، انسانی است که همه توان، استعداد و سرمایه خود را پای اسلام آورد و هر کسی که این رویه و روحیه را داشته باشد می‌تواند تالی تلو عصمت باشد. آیت‌الله حسینی خراسانی در پایان به «سلام بر شهادت حضرت حمزه(ع) و نیز دفاع حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) اشاره و بیان می‌کند: حضرت حمزه سیدالشهدا(ع) از تمام استعدادش برای یاری پیامبر(ص) به عنوان هنر دنیای اسلام و برای یاری دین خدا استفاده کرد تا آنجا که به شهادت نائل آمد. به همین دلیل حضرت امیر(ع) درباره او ستایش‌های فراوانی دارد و او تالی تلو عصمت است. در تاریخ اسلام نمونه‌های زیادی از این بزرگان داریم که می‌توانند برای جامعه ما الگو و سرمشق باشند. همگی به نسبت از بزرگان دین می‌توانیم همانند سلمان، ابن الاسلام باشیم و به مقام منّا اهل بیتی برسیم یا همانند جناب عبدالعظیم حسنی از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) به جایگاهی دست پیدا کنیم که زیارت قبر ایشان فضیلت زیارت امام حسین(ع) را پیدا کند یا همانند حمزه سیدالشهدا(ع)، مایه فخر اهل بیت(ع) شویم. می‌توانیم با حفاظت از ارزش‌های اسلامی و انسانی، ظلم‌ستیز باشیم، یار و یاور مظلوم، عدالت‌خواه و خدمتگزار مردم باشیم. اهل دست‌گیری از انسان‌های ضعیف و نانوان بوده و به درد جامعه بخوریم. ارزش‌های دینی را ترویج کرده و ارزش‌های اخلاقی مانند صداقت، امانت، راست‌گویی و... را تبیین، حوصله، حضرت اخلاق‌هامانند عبدالعظیم حسنی‌ها و حمزه سیدالشهدا‌ها گسترش دهیم.

آگهی موضوع ماده ۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

براثر اصاره حل اختلاف مطرح شده در دفاتر قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی ممتاز و براساس ماده واحده قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۶/۰۶/۲۶ و آئین نامه اجرایی آن، اسناد مالکیت متقاضیان با مالک مشاع مورد تقاضا به شرح زیر به متقاضیان عالم صدر در نوبت به قطعه ۱۵ واقع در قریه سیلمانداران ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص ذینفع یا اعلام ثالث نسبت به ملک مذکور اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی تلقی نشده و طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف: ۳۸۵۲

آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی موضوع تبصره ۱ ماده واحده قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۶ و آئین نامه اجرایی آن نوبت دوم: نظر به اینکه متقاضیان ردیف های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ و ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۷۶ و ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ و ۴۸۹ و ۴۹۰ و ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ و ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۷ و ۴۹۸ و ۴۹۹ و ۵۰۰ و ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۰۴ و ۵۰۵ و ۵۰۶ و ۵۰۷ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۱ و ۵۱۲ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ و ۵۱۷ و ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و ۵۲۱ و ۵۲۲ و ۵۲۳ و ۵۲۴ و ۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۷ و ۵۲۸ و ۵۲۹ و ۵۳۰ و